



۲۳/۰۷/۲۰۱۳

داکتر سیدعبدالله کاظم

پی آمدهای حمله آمریکا بر افغانستان (نگرانی های امروز را من در آغاز مرحله داشتم)

امروز مقاله پرمحتوای جناب محترم ولی احمد نوری را تحت عنوان « خطرات بزرگی بار دیگر افغانستان و موجودیت آنرا تهدید می کند» منتشره پورتال وزین افغان جرمن آنلاین خواندم و خود را با بسیاری نقاط نظر شان همنا یافتیم. نوری صاحب در صفحه ۵ مقاله خویش نوشته اند: «اجتماع بُن به اساس مواد پیشنهاد سه فقره ئی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه که سال ها قبل ... ارائه شده بود، پایه گذاری گردید. در اصل باید این اجتماع از آنهایی متشکل می شد که از پلان سه فقره ئی... حمایت کرده و در راه شناسائی، تبلیغ و تطبیق آن متقبل زحمات و فعالیت ها گردیده بودند، نه آنانی که برای ناکام شدن آن از هیچ نوع دست و پا زدن غیرملی منصرف نگردیده و تا توانستند در راه آن سنگ اندازی و راهزنی کردند...» ایشان در ادامه افزودند که: «نوشتن درین باره ایجاب یک مقاله مستقل و مشروح را می کند که آرزومندم اگر من به نسبت معاذیر صحی نتوانم به آن دست یابم، نویسندگان آگاه و وطن دوست افغان که با پورتال فخیم افغان جرمن آنلاین همکاری دارند، به نوشتن در آن باره اقدام نمایند و مردم خویش را از زوایای تاریک آن اشتباه آمریکا و جامعه ملل (که نمی دانم اشتباه بوده و یا عمداً صورت گرفته) مستحضر سازند.»

اینک به تاسی از آرزومندی جناب نوری صاحب خواستم در ارتباط با موضوع، آنچه را که امروز موجب نگرانی ها است، من آنرا دوازده سال قبل در همان بدو مرحله طی سه مقاله تأریخی خود پیشبینی و بیان کرده بودم، بطور مسلسل به نشر بسپارم که مطالعه آن برای علاقمندان خالی از دلچسپی نخواهد بود:

■ ۱- به تاریخ ۶ اکتوبر ۲۰۰۱ یعنی چند روز قبل از آغاز حمله آمریکا به افغانستان کنفرانس بین الافغانی در شهر «بوینا پارک» در حومه «لاس انجلس» زیر نظر محترم داکتر صاحب طاهر هاشمی وعده ای دیگر (که اسمای شانرا اکنون فراموش کرده ام) دائر گردید و از من نیز دعوت کردند که نسبت معاذیری نتوانستم شخصاً در آن اشتراک نمایم و اما نوشته خود را تحت عنوان «پی آمدهای حمله احتمالی آمریکا بر افغانستان» ارسال داشتم که در مجلس توسط آقای برنا کریمی (اکنون سفیر افغانستان در کانادا) قرائت و مورد مباحثه قرار گرفت.

■ ۲- به تاریخ ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۲۰۰۱ کنفرانس بزرگی به دعوت وزارت خارجه کانادا از طرف مؤسسه ای به نام «سایپ کانادا» در شهر «اوتوا» دائر گردید که مرحله مقدماتی کنفرانس «بُن» محسوب می شد و در آن یک تعداد شخصیت های سرشناس افغان از همه جا دعوت شده بودند. در این کنفرانس از من خواسته شده بود تا در باره «شرایط صلح پایدار در افغانستان» مطالبی بنویسم. مقاله اصلاً بزبان انگلیس بود، ولی همزمان متن دری آنرا نیز آماده کردم که در آن مجلس بدسترس علاقمندان گذاشته شد.

■ ۳- مقاله دیگر تحت عنوان: «حمایت آمریکا از جبهه شمال و عواقب منفی آن بر آینده افغانستان» نوشتم که چند روز قبل از پایان کنفرانس «بُن» به تاریخ ۱۵ دسمبر ۲۰۰۱ در شماره ۳۶ ماهنامه «لمر» منتشره کانادا به نشر رسید.

مقاله اول:

تقدیم به کنفرانس افغانی منعقد شهر بوینا پارک - لاس انجلس مورخ ۶ اکتوبر ۲۰۰۱

داکتر سیدعبدالله کاظم

پی آمدهای حمله احتمالی آمریکا بر افغانستان:

جناب آقای رئیس، اعضای محترم پویدیم و حضار گرامی!

اجازه بفرمائید نسبت ضیقی وقت از مقدمه پردازی بگذرم و راساً برسر موضوع آیم که با حمله احتمالی آمریکا و متحدینش بر افغانستان مرتبط است. اگر چه احتمال حمله در این روزها از جوش و خروش اولی خود باز مانده و

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلیکنې دلیکنېزې بڼې پاډوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

حالا بیشتر یک شکل و شیوه مختلط سیاسی - نظامی را بخود گرفته است، ولی هدف اصلی یعنی سقوط رژیم طالبان، تسلیمی بن لادن و فروپاشی سازمان القاعده به همان شدت اولی بجای خود باقی مانده است.

اینکه طرزعمل حمله احتمالی امریکا و متحدین آن علیه طالبان و گروه القاعده چگونه خواهد بود، موضوعی است که بحث در اطراف آن از صلاحیت من بدور است. آنچه دراین نوشته بیشتر مورد تعمق و توجه قرار می گیرد، همانا پی آمدها و عواقب این اقدامات بر فردای کشور ما افغانستان است که با سقوط احتمالی طالبان و تمرکز نفوذ آنی امریکا در منطقه به وجود می آید. در این ارتباط از همه اولتر سؤال های ذیل مطرح بحث قرار می گیرد:

- ۱ - با سقوط طالبان خلی قدرت در افغانستان چگونه پر خواهد شد؟
- ۲ - آیا امریکا و متحدین شان بعد از آنکه هدف برآورده شود، افغانستان را فوراً ترک خواهند گفت؟
- ۳ - در صورت ترک فوری، موضوع استقرار و ثبات سیاسی در افغانستان چگونه تضمین خواهد شد؟
- ۴ - امریکا و متحدین بعد از تغییر وضع، چگونه می توانند افغانستان را از علایق رقابت آمیز و خطیر همسایگان که در طول این دو دهه همیشه جنگ و ویرانی را در آنجا بار آورده است، مصون نگهدارند و دست غرض آلود آنها را از امور داخلی افغانستان کوتاه سازند، در غیر آن به یقین که جنگ و اختلاف ادامه خواهد یافت و افغانستان بار دیگر به لانه گروه های تروریستی مبدل خواهد شد؟
- ۵ - مردم افغانستان اکنون در حالت مرگبار قرار دارند. امحای فقر، مرض و بیسودی، اسکان مجدد مهاجرین، جلب نیروهای مسلکی افغان از خارج، تعلیم و تربیه مسلکی، به چرخ درآوردن دوباره اقتصاد افغانستان و در مجموع اعمار مجدد کشور، همه از سؤال های حیاتی فردای افغانستان می باشند. تا زمانیکه این چرخ ها به حرکت منظم نیفتد و مردم بکار و زندگی عادی آغاز نکنند، خطر رشد دهشت افگنی و ریشه گرفتن مجدد سازمان های تروریستی در آن کشور از بین نمیرود.
- ۶ - تا وقتیکه امنیت داخلی از طریق تشکیل یک حکومت متمرکز و با قدرت در کشور استحکام نیابد، بیم آن می رود که دست های دراز آشوبگران داخلی و تحریکات خارجی بار دیگر عدم استقرار را دامن زنند و پدیده قوماندان سالاری را زیر نام قوم، زبان و مذهب تقویه کنند.

آقای رئیس و حضار گرامی!

اگر ازین سؤال های اساسی ولی نسبتاً طویل المدت بگذرم و توجه را بیشتر به سؤال اولی که سرآغاز هر تحول دیگر در وطن محسوب می شود یعنی پرکردن خلی قدرت بعد از سقوط طالبان معطوف سازم، آنوقت ناگزیرم به توافق اخیر بین حلقه «روم» و «جبهه متحد شمال» اشاره کنم که محتوای آن در حقیقت به این سؤال مهم و عمده تا حد زیادی جواب می گوید:

اگرچه از جزئیات این توافق تاحال اطلاع دقیق در دست نیست، ولی منابع خبری می رساند که طی اجلاس مؤرخ اول اکتوبر (۲۰۰۱) در روم مقر مسکونی پادشاه سابق افغانستان با اشتراک یک هیئت یازده نفری اعضای کانگرس امریکا و نمایندگان جبهه متحد شمال، بعضی از قواندان های محلی و یکعده محدود مشاوران (خانوادگی و غیر خانوادگی) شاه سابق توافق بعمل آمد تا یک مجلس مرکب از ۱۲۰ نفر جهت بررسی مقدمات لویه جرکه اضطراری تا اخیر این ماه تشکیل شود که در آن ۶۰ نفر از طرف حلقه «روم» و ۶۰ نفر از طرف جبهه شمال اشتراک نمایند. این توافق که مسلماً اساس یک رژیم ائتلافی حلقه «روم» و جبهه شمال را تحت قیادت پادشاه سابق بیان می دارد، به حیث بدیل واضح بجای طالبان پنداشته می شود که در دوره انتقالی رسماً جانشین حکومت نام نهاد آقای ربانی و رژیم قهار طالبی خواهد شد و خلی قدرت را بعد از سقوط طالبان در افغانستان پر خواهد کرد.

در ارتباط با این ائتلاف غیر مترقب، بسا سؤال ها و نگرانی ها در حلقه های مختلف افغانی به وجود آمده که نباید آنرا نادیده گرفت و از کنار آن بی اعتنی گذشت، از جمله می توان به سؤال ها و مطالب ذیل اشاره کرد:

■ ۱- مهم است بدانیم که این ائتلاف حالا چگونه و زیر کدام فشارها بوجود آمده است، در حالیکه پادشاه سابق در گذشته همیشه از همکار شدن با یک جناح درگیر جنگ دوری می جست و روی همین ملحوظ حرکت روم را از حرکت «بن» (بخش انشعابی حرکت روم زیر نظر آقای سیرت و مصطفی ظاهر) در سال ۱۹۹۹ مجزا ساخت؟ آیا واقعاً این ادعا درست است که این ائتلاف زیر فشارهای وارده از طرف هیئت نمایندگان کانگرس امریکا صورت

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

گرفته است و یا در اثر نفوذ یک عده مشاوران «ارشد» شاه سابق؟ آیا نمایندگان جبهه متحد شمال در این ائتلاف شرایط خاص را متقبل شده اند که موجب تغییر حالت گردیده و یا اینکه تضمین قوی از طرف جامعه جهانی در زمینه های بعدی برای شاه سابق داده شده است؟

■ ۲- جای شک نیست که در شرایط موجود همکار شدن با یک جانب جنگ، معنی دشمن شدن با جناح دیگر را میدهد. بهر صورت با این ائتلاف موجود موقف بیطرفانه شاه سابق به حیث یک زعيم قابل اعتماد ملی در ذهنیت افشار و اقوام مختلف افغانستان مورد سؤال قرار می گیرد و این وضع موجب می شود تا:

الف: یک عده پشتون ها که در ردیف طالبان و حامیان شان نیستند و از مدت ها چشم امید به حرکت غیر جانبدارانه پادشاه سابق دوخته بودند، اکنون از این جریان آزرده خاطر شوند،

ب: یک عده شخصیت های مسلکی افغان که از هر دو طرف جنگ بیزار و ناراض می باشند و از پادشاه سابق و راه سوم حمایت می کنند، اکنون میل نخواهند داشت از ائتلاف جدید حمایت کنند و با آن همکار شوند. در این حالت پادشاه سابق یک عده حامیان خود را در بین شخصیت های غیر وابسته از دست می دهد که در شرایط موجود مبنی بر ضرورت اشد به جلب همکاران مسلکی تأثیر ناگوار خواهد داشت.

■ طرف جامعه جهانی در زمینه های بعدی برای شاه سابق داده شده است؟

■ ۳- پادشاه سابق افغانستان که در داخل کشور فاقد نیروی نظامی و حتی فاقد یک تشکیل سازمان یافته سیاسی می باشند، اکنون با جناحی همکار شده اند که دارای قدرت نظامی، سازمانی و حمایتگران خاص خارجی است. این وضع زمینه نفوذ و قدرت جبهه شمال را در چارچوب ائتلاف بیش از پیش تقویه میکند و بیم آن می رود که پادشاه سابق از استحاله قدرت آنها به آسانی بیرون شده نتوانند. این حالت حتی در ترکیب اعضای ۱۲۰ نفری اجلاس مشترک محسوس خواهد بود، زیرا در حلقه موجود «روم» که به ۵۰ تا ۶۰ نفر می رسد، کسانی وجود دارند که از اول تا حال روابط حسنه و حتی همکاری های علنی با جبهه شمال داشته اند. هرگاه نظر این تعداد با رأی ۶۰ نفر جبهه شمال یکجا شود، واضح است پله توازن در اتخاذ تصمیم به سمت جبهه متحد گرانی خواهد کرد.

■ ۴- ناگفته پیداست که در ترکیب جبهه متحد عناصری وجود دارند که با نقش و شمول پادشاه سابق در مسائل افغانستان مخالفت عمیق فکری و شخصی دارند، از جمله آقای سیاف و حزب اتحاد اسلامی او و آقای ربانی و حزب جمعیت اسلامی او که از مدتیست با جناح شورای نظار مرحوم مسعود فاصله گرفته و اکنون با آقای حکمتیار و حزب اسلامی او در ممارست و نزدیکی قرار گرفته است. علاوه معلوم نیست که حزب وحدت، مخصوصاً شاخه خلیلی چه موقف را در قبال این ائتلاف پیش خواهد گرفت و تحت کدام شرایط خاص حاضر به شمول در آن خواهد شد و تا کدام اندازه آنها موقف حکومت ایران را در زمینه رعایت خواهند کرد، زیرا حکومت ایران با نفوذ امریکا در منطقه شدیداً مخالف است؟

■ ۵- آشکار است که در جنبش ملی و اسلامی دوستم یک عده کمونیست های اسبق فعال می باشند و هم شایع است که همچو اشخاص در بین هواداران مرحوم مسعود نیز جا دارند. با اشتراک همچو اشخاص در گروه جبهه شمال، انتقاد و اعتراض شدید مردم در برابر ائتلاف بلند خواهد شد و حربه مخالفان ائتلاف را نیز تر خواهد ساخت.

■ ۶- به هر اندازه که نقش جبهه متحد شمال در ائتلاف قوت گیرد، چانس فدالی شدن افغانستان بیشتر می گردد. حتی این موضوع دو روز قبل در یک جلسه استماعیه کمیسیون روابط خارجی کانگرس امریکا از طرف یکی از صاحب نظران امریکائی به تکرار بیان و توصیه شد. (نظر چارلس سنتوز - سابق معاون نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان)

■ ۷- شاید امریکا بتواند به سهولت رژیم طالبان را سقوط دهد، ولی نمی تواند نفوذ آنها را کاملاً از بین ببرد، مخصوصاً اینکه گروه طالبان پناهگاه خود را پاکستان و در ادامه سرحدات آن با افغانستان حفظ و حتی تقویه خواهند کرد. آنها می توانند با عملیات چریکی و تخریبی به اعمال مختلف تروریستی و اخلاص گرانه در افغانستان دست زنند. تازمانیکه پایگاه آنها در پاکستان فعال است و از جانب احزاب اسلامی و حتی سازمان های رسمی پاکستان حمایت و تقویه میشوند، خطر بروز ناامنی ها و عدم استقرار اوضاع در افغانستان، رژیم آینده را تهدید خواهد کرد. سؤال عمده آنست که چگونه میتوان این خطر حاد و جدی را بطور مطمئن و همیشگی مرفوع ساخت؟ آیا میتوان با تعهدات ظاهری مراجع رسمی پاکستان در این زمینه اعتماد کرد؟

■ ۸- نزدیکی سه تنظیم بنیادگرا (حکمتیار، سیاف و ربانی) که هر سه مخالف پادشاه سابق و امریکا می باشند، جناح دیگر قوی سازمان یافته یعنی حزب وحدت را علیه ائتلاف جدید فعال خواهد ساخت که البته در بسیج کردن و تقویه آن مراجع محافظه کار ایران نقش بسزا خواهد داشت.

■ ۹- از همه مهمتر اینکه حکومت روسیه در این روزها از یکطرف که با امریکا در پروگرام مبارزه علیه تروریسم همکار شده ولی از طرف دیگر اعلام داشته است که در نظر دارد به جبهه شمال کمک های نظامی بیشتر بدهد. ایران و روسیه در این زمینه همکاری نزدیک دارند و هر دو بطور کل مخالف حضور و نفوذ دوامدار امریکا در منطقه می باشند. آیا این وضع بار دیگر افغانستان را دچار رقابت های منطقه ای و بحران داخلی نمی سازد؟

■ ۱۰- هرگاه در طول دوره انتقال برای پادشاه سابق حادثه ئی رخ دهد، موضوع جانشینی چطور حل خواهد شد؟ آیا جانشین او از بین خانواده اش تعیین خواهد شد، یا از جمله مشاوران ارشد و یا حالت دیگر؟ آیا جبهه متحد با داشتن نیروی نظامی و سازمانی فعال، از این موقع به نفع خود استفاده خواهد کرد؟ و آیا خطر یک حادثه احتمالی سوء قصد علیه پادشاه سابق به تحریک یکی از جناح ها جهت رسیدن به قدرت و انداختن بار مسؤلیت بدوش مخالفان، زمینه برهم خوردن اوضاع و شعله ور شدن آتش جنگ و برادر کشی را مساعد خواهد ساخت و از آنطرف دست های غرض آلود همسایگان بار دیگر به امور داخلی ما دراز خواهد شد؟

■ ۱۱- گفته می شود که برای جلوگیری از قدرت نظامی یک جانبه جبهه متحد در این ائتلاف سعی بعمل می آید که یک عده قوماندان های محلی در ساحات شرقی و جنوبی کشور بار دیگر مسلح ساخته شوند تا بدان وسیله توازن قوا در ائتلاف حفظ گردد. شاید این تصمیم در آغاز ممد واقع شود، ولی عواقب بعدی آن با تجاربی که از سال های گذشته با موجودیت قوماندان های خود مختار در دست است، از دو ناحیه بسیار قابل اندیشه و نگرانی است: یکی احیای مجدد قوماندان سالاری بر استحکام یک نظام مرکزی مسلط بر اوضاع صدمه می رساند، دیگر اینکه عادت به معامله گری ها و سوء استفاده های مختلف این قوماندان ها، زمینه ارتباط آنها را با عناصر علاقمند خارجی مخصوصاً همسایگان مساعد می سازد و خطر برهم خوردن امنیت را در داخل کشور شدت می بخشد.

آقای رئیس و حضار گرامی!

اجازه دهید با استفاده از این فرصت از کمک های مالی و بشری امریکا و سائر کشورها که در این روزها به مردم بیچاره و آواره افغانستان صورت گرفته است، یادآوری نموده آنرا فال نیک در ادامه کار و بخصوص در رابطه با عمران مجدد افغانستان بشمارم که یقیناً موجب امتنان فرد فرد ما خواهد بود.

درخاتمه معذرت مرا بپذیرید با وجود سعی زیاد در اختصار مطالب، بازهم این نوشته از حدود وقت معینه فراتر رفت، ولی امید می کنم نکات متذکره مورد توجه شما قرار گرفته و در درک عمیق مسائل جاری کشور ممد واقع شده باشد.

امیدوارم تذکر این مطالب را نشانه ای از صدق و صفای من در مسائل کشور عزیز و ویران ما حساب کرده و آنرا مایه ناامیدی من از جریانات فعلی ندانید. از خداوند بزرگ استدعا دارم تا به فضل و کرم خود این دوره تاریک و پرمصیبت را در کشور ما به خیر و عافیت به پایان رساند. از حوصله مندی و توجه شما ممنونم. با احترام

داکتر سیدعبدالله کاظم

سن هوزه - کالیفورنیا (مورخ ۵ اکتوبر ۲۰۰۱)

پایان مقاله اول

(مقاله دوم و سوم متعاقباً جهت نشر ارسال میگردد)

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ